



**اداره امور کشور در دوران حکومت موقت:
مسئولیت، خط مشی و مدت دولت موقت زیر نظر
«شورای عالی حفظ امنیت و منافع ملی»**

امیر حسین جهانشاهی

تیرماه 1389



فهرست

2	شورای عالی حفظ امنیت و منافع ملی
4	دولت موقت
4	وظائف دولت موقت
7	ویژگی های دولت موقت
9	اولین اقدام دولت موقت
10	وظائف دولت موقت در ارتباط با سیاست خارجی برنامه دولت موقت در یکپارچه کردن
13	نیروهای نظامی و تجدید سازمان اداری کشور وظایف دولت موقت در ارتباط با
18	اصلاحات در قوه قضائیه برنامه دولت موقت در مورد بازسازی
22	سیستم اقتصادی و بازرگانی کشور وظائف دولت موقت در ارتباط با
27	حقوق اقلیت های مذهبی و قومی آخرین مسئولیت دولت موقت: 'تهیه و تدوین قانون اساسی جدید بر پایه خواسته ها و منافع ملی
29	و جدائی دین از سیاست'



**اداره امور کشور در دوران حکومت موقت:
مسئولیت، خط مشی و مدت دولت موقت زیر نظر
«شورای عالی حفظ امنیت و منافع ملی»**

دولت موقت اداره امور کشور را زیر نظر «شورای عالی حفظ امنیت و منافع ملی» پس از سرنگونی جمهوری اسلامی به دست خواهد گرفت. مدت ماموریت دولت موقت حد اکثر 18 ماه خواهد بود (تا تحویل تمام مسئولیت های رسمی به دولت انتخابی). علاوه بر اداره روزمره کشور، دولت موقت اساس و زیربنای آینده ایران آزاد، آباد، مدرن، مقتدر و دمکراتیک را پایه گذاری خواهد نمود.

شورای عالی حفظ امنیت و منافع ملی

پس از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، «شورای عالی حفظ امنیت و منافع ملی» در دوران گذار، بالاترین مرجع تصمیم گیری در کشور خواهد بود و خط مشی دولت موقت را تعیین خواهد کرد.

1. اعضای «شورای عالی» از کسانی خواهند بود که در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی نقش کلیدی ایفا کرده باشند.
2. «شورای عالی» مسئولیت عزل و نصب اعضای دولت موقت را بر عهده خواهد داشت و به چگونگی اداره امور کشور و حفظ منافع ملی و تغییرات زیربنائی در زمینه های مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و روابط بین المللی نظارت خواهد کرد. تصمیم گیری در «شورای عالی» با اکثریت آراء خواهد بود و در صورت تساوی آراء، رأی دوم رئیس شورا قاطعیت خواهد داشت.
3. اعضای «شورای عالی» نمی توانند همزمان مشاغل دولتی یا شبه دولتی داشته باشند.
4. رئیس «شورای عالی» نمی تواند در هیچ یک از انتخابات اولیه کشور، پس از پایان دوران گذار داوطلب شود.
5. اعضای «شورای عالی» می باید پیش از آغاز کار شورا، فهرست اموال منقول و غیرمنقول و موجودی حساب های بانکی خود و نزدیکان درجه یک خود را در هر کجا که باشند، به شورا رسماً اعلام کنند و سرپرستی آنها را تا انحلال شورا بر عهده یک «بنیاد مستقل» بسپارند.
6. اعضای شورا و نزدیکانشان (اعضای خانواده) نمی توانند بطور مستقیم و یا غیر مستقیم در هیچگونه کار مالی، تجاری یا

- اقتصادی که نیازمند به موافقت دولت داشته باشد تا حد اقل 2 سال بعد از انحلال شورا مشارکت داشته باشند.
7. نام اعضای «شورای عالی» تا هنگام سرنگونی نظام جمهوری اسلامی سری خواهد بود.
8. «شورای عالی» آئین نامه داخلی خود را پیش از آغاز به کار تنظیم و تصویب خواهد کرد.
9. مأموریت این شورا تا برگزاری انتخابات آزاد، انتخاب رئیس قوه مجریه، و نمایندگان مجلس ملی و آغاز کار مجلس ملی خواهد بود.

دولت موقت

دولت موقت از سوی «شورای عالی حفظ امنیت و منافع ملی» برای اداره کشور در دوران گذار برگزیده خواهد شد. دوران گذار و مأموریت دولت موقت حداکثر 18 ماه خواهد بود.

الف: وظائف دولت موقت

1. برقراری نظم و امنیت اجتماعی و مالی بیدرنگ پس از فروپاشی نظام جمهوری اسلامی

2. اداره امور روزمره کشور به گونه ای که چرخ های مالی و اقتصادی به ویژه در زمینه کارهای تولیدی به کار خود ادامه دهند.

3. اعلام بیدرنگ سیاست خارجی مسالمت آمیز در منطقه و جهان و رفع تنش های سیاسی در روابط با همه کشورها که ساخته و پرداخته سیاست ترویج بنیادگرائی اسلامی بوده است، با در نظر گرفتن منافع کامل ملی مردم ایران، و دفاع از حقوق ملی، و حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمین ایران و استقلال سیاسی کشور.

4. پایه گذاری زیربنای اساسی برای آینده ای پیشرفته، آزاد، قانونمند، مرفه و مستقل برای ملت ایران و نسل های آینده به ویژه در زمینه های زیر:

(1) جدائی دین از حکومت و برقراری برابری های سیاسی و اجتماعی، و اطمینان از برابری حقوق زن و مرد، و آزادی ادیان و مذاهب. و رعایت اصول انسانیت و حقوق بشر بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد.

(2) تعیین چارچوب سیاست مستقل ملی خارجی کشور، برپایه دوستی و همکاری های منطقه ای و جهانی

و تلاش برای حفظ صلح و امنیت در منطقه و سراسر جهان.

(3) یکپارچه کردن نیروهای نظامی در سراسر کشور و تبدیل آنها به یک ارتش ملی کارآمد و پیشرفته و تجدید سازمان اداری کشور بر پایه نیازهای واقعی امروزی.

(4) دگرگون کردن سیستم قضائی و دادگستری کنونی کشور و ایجاد یک سیستم مستقل، عادلانه، و پیشرفته

(5) بازسازی سیستم اقتصادی و بازرگانی ایران، به منظور بهبود موقعیت مالی و اقتصادی داخلی و بین المللی کشور. در این رابطه، ایران در دوران زمامداری دولت موقت، باید بعنوان بیست و یکمین عضو گروه سیاسی-اقتصادی «جی-20» شناخته شود.

(6) رسیدگی به امور اقلیت های قومی و مذهبی کشور و کوشش جدی در تأمین خواسته های مشروع و قانونی آنها.

5. تهیه و تدوین یک قانون اساسی نوین و پیشرفته، بر پایه خواست ها و منافع ملی، و جدائی کامل دین از سیاست.
6. ایجاد شرایط مطلوب و مناسب برای برگزاری فراندوم ملی («آری» یا «نه») به منظور سنجش رأی اکثریت ملت نسبت به قانون اساسی جدید و رفورم های انجام شده از سوی دولت موقت در همه زمینه ها.
7. برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین رئیس قوه مجریه و نمایندگان مجلسین

ب. ویژگی های دولت موقت

- 1. قدرت اجرائی در کشور در دولت موقت متمرکز خواهد بود.
- 2. دولت موقت خواستار ایجاد یک جامعه «آشتی جو» خواهد بود و نخستین وظیفه اش جلوگیری از هر نوع هرج و مرج و انتقامجویی و سوء استفاده خواهد بود.
- 3. دولت موقت دست به هیچ اقدامی علیه آن گروه از مسئولین جمهوری اسلامی که به پیروزی جنبش مردم ایران در سرنگونی جمهوری اسلامی کمک کنند و یا بیطرفی خود را حفظ کنند، نخواهد زد.

- 4. رسیدگی به سرنوشت آن دسته از مسئولین نظام جمهوری اسلامی که در برابر اراده ملت ایران درسرنگونی جمهوری اسلامی ایستادگی کنند بر عهده دادگاه های ویژه ای خواهد بود، که با الهام از اصول جاری در دادگاه بین المللی جنائی (ICC) به سرنوشت آنان رسیدگی خواهد کرد.
- 5. ماموریت دادگاه های ویژه نیز همزمان با پایان کار دولت موقت به پایان خواهد رسید.

اولین اقدام دولت موقت

دولت موقت از روز اول استقرار خود:

در اولین حکم اجرائی، جدائی دین از حکومت را بعنوان اصل پایه گذار ایران نو اعلام خواهد کرد. همچنین با لغو مجازات اعدام، تضمین حقوق اساسی بشر مانند آزادی اندیشه، آزادی بیان، و آزادی های سیاسی و اجتماعی به ویژه آزادی احزاب، اتحادیه ها و مطبوعات را اعلام خواهد نمود.

دولت موقت با برقراری و تضمین حقوق زنان در تمامی رده ها، به ننگ 30 ساله ظلم و نابرابری نسبت به زنان ایران پایان خواهد داد .

دولت موقت رعایت اصول انسانی و حقوق بشر را در تمام قشرهای جامعه ایران نهادینه خواهد کرد.

دولت موقت به هیچ فرد، گروه یا مقامی اجازه نخواهد داد تا به نام آزادی به استقلال و تمامیت ارضی کشور کوچکترین خدشه ای وارد نماید.



وظائف دولت موقت در ارتباط با سیاست خارجی (منطقه ای و بین المللی)

از آنجا که جمهوری اسلامی بر مبنای ایدئولوژی مذهبی و توسط مردم در پی انقلاب اسلامی سال 1357 بوجود آمده است، امروز نیز باید با همت و اراده راسخ ملت ایران نابود و برای همیشه از صحنه سیاسی ایران و جهان خارج گردد.

ادامه حیات رژیم اسلامی که بر مبنای بنیادگرایی اسلامی پایه گذاری شده بود، در 31 سال گذشته، تنش و ناامنی را به طور فزاینده در سراسر جهان افزایش داده و نظم و امنیت منطقه ای و بین المللی را در معرض خطر جدی قرار داده است.

وظیفه دولت موقت پاکسازی ایران و منطقه از اثرات بیش از 30 سال سیاست های معطوف بر بنیادگرایی اسلامی و برطرف نمودن تنش ها و خطرات ناشی از آن خواهد بود و بدیهی است که کشورهای منطقه نیز دارای وظائف و مسئولیت های مشخصی در راستای انجام این مأموریت خطیر می باشند. نقش

آمریکا و اروپا صرفاً در همراهی و همکاری (نه رهبری یا پیشگامی) با کشورهای منطقه خلاصه میگردد و بس.

به منظور نیل به این هدف یعنی نابودی تمام اثرات بنیادگرایی اسلامی در منطقه و جهان، دولت موقت تمام امکانات لازم برای این ماموریت را فراهم خواهد کرد و برای ایجاد شرایط صحیح به منظور تامین صلح و امنیت در منطقه، دولت موقت با چهار معضل منطقه ای بطور جدی روبرو خواهد شد و اقدام فوری خواهد نمود:

1. حماس و حزب الله

2. صلح میان اسرائیل و فلسطین

3. عراق

4. افغانستان و پاکستان

دولت موقت مصمم است که به کلیه کمک های مالی و نظامی نظام جمهوری اسلامی به گروه های شبه نظامی و تروریستی «شیعه یا سنی» در لبنان، فلسطین، و عراق و به گروه هایی از قبیل القاعده و طالبان در افغانستان و پاکستان پایان فوری بدهد. همچنین پایان بخشیدن به انزوای دیپلماتیک ایران در عرصه بین المللی از زمره اولویت های دولت موقت خواهد بود و

در این راستا دولت موقت به منظور جلوگیری از گسترش سلاح های هسته ای در منطقه، به بحران هسته ای و مناقشات ایجاد شده میان ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت پایان خواهد داد.

دولت موقت در عین به رسمیت شناختن اسرائیل، کمک جدی و همه جانبه به منظور تاسیس کشور مستقل فلسطین، در کنار اسرائیل را از وظائف و الویت های خود دانسته و تمام تلاش خود را در جهت تحقق این امر، در چارچوب یک توافق کلی، در دوران تصدی 18 ماهه خود بکار خواهد گرفت.



برنامه دولت موقت در یکپارچه کردن نیروهای نظامی و تجدید سازمان اداری کشور

عظمت و سنگینی دستگاه دولت و مدیریت فاجعه بار آن در پیروی از اهداف ایدئولوژیک رژیم، کشور ما را از پای درآورده است. بازسازی سازمان اداری کشور با محدود کردن حوزه عمل آن به امور اساسی و بنیادی دولت، از وظائف اول دولت موقت خواهد بود و موفقیت آن موفقیت در سایر امور را به همراه خواهد داشت و این کار باید تا پایان مأموریت دولت موقت انجام شود.

حوزه عمل دولت موقت به امور زیر خلاصه خواهد شد:

- سیاست خارجی و منطقه ای
- امنیت کشور (خارجی و داخلی)
- عدالت و دادگستری
- آموزش و پرورش
- بهداشت و رفاه عمومی
- بازسازی و عمران اقتصادی کشور
- طرح ها و برنامه های مربوط به کشاورزی در کشور

به منظور تأمین امنیت خارجی و داخلی، حکومت جدید متکی به یک ارتش یگانه و یک نیروی پلیس (انتظامی) واحد خواهد بود. دولت موقت نیروهای موازی حکومت سرنگون شده را منحل خواهد کرد. سپاه پاسداران با ارتش ملحق و بسیج و دیگر گروه های فشار حکومت استبدادی منحل خواهند شد و اعضای آنان در برنامه های بازسازی کشور در مناطق مختلف کشور مشغول بکار خواهند شد.

همزمان با اصلاح، کوچک سازی و شکل گیری دستگاه دولت به منظور بهره وری و کارآیی بیشتر، موضوع سیستم «مالیات» مناسب و منصفانه برای گرداندن چرخ های دولت، بازبینی و قوانین آن متناسب با زمان و شرایط اقتصادی، بازسازی خواهد شد، با توجه به اینکه بنای یک حکومت مترقی و دموکراتیک بدون شراکت و مسئولیت پذیری همه شهروندان امکان پذیر نمی باشد.

برای جلوگیری از خطر استفاده بی جا و نامناسب از منابع طبیعی، و نیز برای جلوگیری از بهره برداری از منابع طبیعی برای پیشبرد اهداف شخصی، و یا ایدئولوژیک، پس از پایان کار دولت موقت، درآمد حاصل از منابع طبیعی بویژه نفت و گاز، بر اساس قانون اساسی جدید، ثروت ملی کشور و متعلق به احاد ملت و نسل های بعدی شناخته خواهد شد و به این لحاظ این

درآمد در صندوق جداگانه ای از صندوق دولت حفظ خواهد شد و از آن انحصاراً برای انجام برنامه های زیر بنایی اقتصادی، اجتماعی، و عمرانی استفاده خواهد شد و دولت مجاز نخواهد بود که از این درآمد برای مخارج روزمره یا برای پرداخت یارانه مگر در شرایط ویژه که پیش بینی آن در قانون اساسی قبلاً شده است، استفاده نماید.

برای رسیدن به این هدف در دوران دولت موقت باید شرایط استقرار یک سیستم مالیاتی درست، عادلانه و کارآمد به وجود آید، و بدین ترتیب بودجه اولین دولت منتخب با درآمدهای برآورده از مالیات و بدون دستیابی به درآمد حاصل از منابع طبیعی کشور خواهد چرخید.

در حال حاضر مدیریت مالی کشور چنان بهم ریخته و نا منظم است که در عمل مالیاتی بسیار ناچیز به دست دولت می رسد، چون تنها کارمندان دولت و بخشی از حقوق بگیران مالیات می پردازند و بقیه جمعیت بدون کوچکترین ناراحتی وجدان از آن سر باز می زنند، چرا که انگیزه ای برای کمک به گردش چرخ حکومت اسلامی ندارند. سقوط این حکومت، و برپایی آزادی ها و روی کار آمدن یک حکومت دمکراتیک وظایفی را نیز برای همه شهروندان به همراه می آورد که اولین آنها پرداخت بهای این آزادی است که نام آن «مالیات» است.

نظام مالیاتی ایران نو، باید منصفانه و مناسب باشد. با در نظر گرفتن شرایط فعلی کشور، مالیات بردرآمد افراد باید مستقیماً از حقوقشان کسر شود. درمورد مالیات بر فعالیت های اقتصادی و برای تشویق سرمایه گذاری های دراز مدت، هر نوع سرمایه گذاری تولیدی و نه سودگرانه، که بیش از 5 الی 10 سال تداوم داشته باشد برحسب نوع سرمایه گذاری از پرداخت مالیات معاف خواهد شد. مابقی یعنی سرمایه هایی که زودتر از موعد مقرر برداشت شوند مشمول حد اکثر 15 درصد خواهد شد.

دولت موقت در 3 ماه اول پس از آغاز کار خود، طرح مناسب ترین و منصفانه ترین سیستم مالیاتی جدید کشور را به «شورای عالی» پیشنهاد خواهد کرد.

تأمین بهداشت و رفاه اجتماعی برای همه و همچنین پرداخت درآمد بازنشستگی برای همه سالمندان از وظایف اصلی و بنیادی ایران نو و دولت موقت خواهد بود. برای تأمین هزینه های این برنامه، خارج از امکانات پیش بینی شده فعلی، اموال و سرمایه های تمام بنیادها و دستگاه های «دولتی-انقلابی»، سپاه پاسداران و همچنین اموال آن دسته از مقاماتی که در مقابل خواست ملت در سرنگونی رژیم ایستادگی نمایند، به صندوق «بهداشت و رفاه اجتماعی و پرداخت بازنشستگی برای

همه» واریز خواهد گردید تا هزینه اجرای برنامه های بهداشتی، خدمات و بیمه های اجتماعی و بازنشستگی پرداخت گردد. بر اساس برآوردهای کارشناسان در درون کشور، منابع مالی موجود در این دستگاه ها میزان قابل ملاحظه ای از کل هزینه های لازم برای اینگونه تعهدات دولت در قبال ملت را تأمین خواهد نمود.



وظایف دولت موقت در ارتباط با اصلاحات در قوه قضائیه

- رفرم قوه قضائیه ایران مستلزم در نظر گرفتن ابعاد زیر است :
- استقرار نظام قضائی جدید
- تربیت و حفظ استقلال قضات
- حذف قوانین شرعی

استقرار نظام قضائی جدید

نظام قضائی ایران برگرفته از کشور فرانسه است. در سی سال اخیر بسیاری از موازین آن بدون منطق عوض شده است. این نارسایی ها را میتوان از طرق زیر برطرف کرد :

- ایجاد اصل لائسیتته در سیستم قضائی کشور
- تعمیم صلاحیت دادگاههای عمومی به کلیه دعاوی حقوقی و کیفری و برچیدن مراجع استثنائی از این طریق
- جز موارد استثنائی، دعاوی عموماً یکبار در دادگاه بدوی و دیگر بار در دادگاه تجدید نظر مطرح می شوند.
- تعمیم اصل تعدد قضات به محاکم حقوقی و کیفری

- ابقاء نظام بازپرسی و دادسرا
- تقویت دیوان عدالت اداری و تاسیس مرجع تجدید نظر برای این دیوان
- رفع نارسایی های هیئتهای حل اختلاف با بهره گیری از رژیم سابق شوراهاى داوری و خانه های انصاف

تربیت و حفظ استقلال قضات

حفظ استقلال قضات مستلزم بازگشت به ساختمان قوه قضائیه ایران در قبل از انقلاب اسلامی است بدین ترتیب :

- وزیر دادگستری مسئولیتهای رئیس قوه قضائیه را نیز عهده دار است.
- قضات ایستاده (دادستان، دادستان کل و دادستان کل کشور) تحت نظارت وزیر دادگستری عمل خواهند کرد.
- قضات نشسته (بازپرسها، قضات دادگاههای حقوقی، کیفری و اداری) از استقلال کامل و مطلق تحت نظر شورای عالی قضائی برخوردارند.
- وزیر دادگستری مسئول عزل و نصب قضات است. درمورد قضات نشسته، با نظر مثبت

شورای عالی قضائی و درمورد قضات ایستاده،
با نظر شورای عالی قضائی ولی حق تخطی از
آن را دارد.

تعداد قضات فارغ التحصیل از دانشگاه بسیار کم است، حال
آنکه موفقیت نظام قضائی جدید بستگی مستقیم به قضات
تشکیل دهنده آن نظام دارد. به این دلیل :

- قضاتی که حداقل دارای مدرک لیسانس حقوق نیستند،
برکنار شده و حق ثبت نام در مدرسه عالی قضائی
خواهند داشت. روحانیون از این اصل مستثنی نیستند.
- در هنگام قضاوت، روحانیون از بر تن داشتن لباس
روحانیت باید اجتناب کنند.
- در دوران حکومت موقت و بعد از آن در دوران انتخابی
اول (مجموعاً در سه سال اول) ، قضات مجرب کمتر از
70 سال که خود را بازنشسته کرده اند دوباره به
خدمت خواسته خواهند شد تا جایگزین قضات برکنار
شده گردند.
- ایجاد مدرسه عالی قضاوت با مسئولیت تربیت
دانشجویان فارغ التحصیل با حداقل مدرک لیسانس
حقوق در عرض یک سال

ضمناً قضات دادگاههای امور خانواده، بازپرسها و دادستانهای کل فقط از بین قضات با تجربه انتخاب خواهند شد.

رفع نقایص بعضی قوانین

- قانون اساسی جدید برتر بودن معاهدات و عقود و میثاقهای بین المللی بر قوانین وضع شده بوسیله مجلس ملی را صریحاً به رسمیت خواهد شناخت.
- قوانین شرعی از اعتبار ساقط خواهند بود. خصوصاً در مورد مطالب زیر :

- قانون خانواده : تعدد زوجات، صیغه، طلاق یکطرفه، به رسمیت شناختن حقوق اطفال نا مشروع، ارث
- قانون جزا : الغاء احکام اعدام
- قانون جزا: الغاء قانون قصاص
- قانون تجارت : الغاء قوانین مربوط به

ربا



برنامه دولت موقت

در مورد بازسازی سیستم اقتصادی و بازرگانی کشور

بیش از 30 سال دیکتاتوری فاسد و حیف و میل ثروت ملی کشور و سوء استفاده های شخصی مسئولین نظام اسلامی همراه با هزینه کردن برای اجرای سیاست های توسعه طلبانه حکومت بنیادگرای خودکامه، و پشتیبانی از عناصر گوناگون تروریستی در منطقه و دیگر نقاط جهان، اوضاع اقتصادی کشور را بکلی درهم ریخته و مملکت را در آستانه یک بحران بی سابقه قرار داده است.

سیاست های جنون آمیز حکومت اسلامی که نابرابری های وحشتناک اجتماعی را بوجود آورده است روحیه وحدت ملی و در نهایت حاکمیت ملی را به خطر انداخته است. چشم انداز اقتصاد کشور که نزدیک به 70 درصد آن مستقیماً زیر کنترل مسئولان حکومتی است هولناک می باشد. همه چیز باید از نو ساخته شود و این بازسازی نیازمند برنامه ریزی گسترده است. سیاست اقتصادی و صنعتی آینده ایران باید با در نظر گرفتن چند اصل مهم تعیین گردد:

- حفظ و بهره برداری از سرمایه منابع طبیعی،

- به کارگیری شایسته از سرمایه انسانی و تلاش برای
پر بار ساختن آن،
 - جلب و استفاده درست، با حفظ استقلال ملی از سرمایه
های خارجی که پس از تغییر حکومت برای سرمایه
گذاری به ایران بطور بی نظیری روی خواهند آورد.
 - تشویق نیروهای ارزنده مهاجران ایرانی در کشورهای
خارجی برای سرمایه گذاری مالی و علمی در میهنشان،
 - و مهمتر از همه – بر انگیختن اراده و اشتیاق مردم به
ویژه جوانان برای بازسازی ایرانی مدرن، آباد و نیرومند.
برای مهار کردن دو مشکل خانمان برانداز، یعنی بیکاری فراگیر
و تورم شدید که بخشی از جمعیت کشور را به حاشیه رانده و
انسجام ملی را تهدید می کند، دولت موقت باید بیدرنگ با
تشویق و ایجاد انگیزه، نیروهای کوچک و متوسط بخش
خصوصی را سامان دهد. توسعه واحدهای کوچک و متوسط
اقتصادی برای ایجاد اشتغال از اولویت های دولت موقت خواهد
بود.
- در ارتباط با مجتمع های بزرگ اقتصادی، در صورتیکه
تشکیلات مذکور به «مونوپل های اقتصادی» تبدیل نشده
باشند، و یا صاحب سهام عمده آنها در ایام قبل از سقوط رژیم
علیه مردم جبهه گیری نکرده باشند، می توانند متناسب با

شرایط تازه، به کار خود ادامه دهند. دولت موقت حقوق سهامداران اینگونه مجتمع های خصوصی را برسمیت خواهد شناخت و در صورت لزوم آنان را تشویق به سرمایه گذاری های تازه در چارچوب سیاست های جدید صنعتی و بازسازی کشور خواهد نمود.

- سیاست ملی استخراج منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز در انحصار دولت باقی خواهد ماند.
- تعیین بهای انرژی برای مصرف داخلی بر اساس مقتضیات اقتصادی و اجتماعی زیر نظر دولت خواهد بود.
- در مراحل بهره برداری از این منابع طبیعی، سرمایه گذاران خصوصی خواهند توانست در چارچوب برنامه سازندگی ایران نو، دارای نقشی اساسی در این زمینه باشند.
- ساختن و تکمیل پالایشگاه های لازم و جدید برای تأمین (حداقل) صد در صد نیازمندیهای داخلی کشور.
- انجام برنامه های بازسازی منابع و چاه های نفت به منظور تلاش برای افزایش میزان تولید نفت از 3.7 الی

4 میلیون بشکه در روز به 6.5 میلیون در 5 سال بعد از سقوط نظام.

- تاکید بر افزایش تولید و توسعه صنعت گاز در ایران در سطحی متناسب با میزان ذخائر گاز در کشور و عرصه بین المللی. سرمایه گذاری های لازم در این زمینه، با کمک سرمایه گذاران خصوصی در چارچوب سازندگی ایران عملی خواهد شد.

- از آنجا که تأمین استقلال ملی کشور همواره با استقلال در زمینه خودکفائی «انرژی» ارتباط مستقیم دارد، دولت موقت در 9 ماه اول حکومت خود طرح های مربوط به تأمین خودکفائی کشور برای دوران «بعد از نفت و گاز» و سرمایه گذاری های لازم ده ساله اول در این زمینه را تقدیم شورا عالی خواهد نمود.

- پیشبرد برنامه های ایرانی نو، صنعتی و قدرتمند، بدون توسعه زیربنای وسایل ارتباطی و ترابری امکان پذیر نخواهد بود. دولت موقت در حد اکثر سه ماه اول، برنامه زیربنائی خود را در این زمینه تقدیم «شورای عالی» خواهد نمود.

- دولت موقت سیاست کشاورزی کشور را بطور کامل بررسی و مورد تجدید نظر قرار خواهد داد زیرا استقلال و پیشرفت پویای سرزمین ما بستگی به انجام برنامه های حساب شده کوتاه مدت و دراز مدت در این راستا می باشد. با در نظر گرفتن تنوع اقلیمی و حاصل خیزی خاک ایران، پذیرفتن این واقعیت که کشور ما وارد کننده بخش بزرگی از فرآورده های کشاورزی است، غیر قابل قبول است و به این لحاظ، دولت موقت سیاست جدید کشاورزی ایران را نیز حد اکثر پس از 3 ماه از آغاز کار خود تقدیم «شورای عالی» خواهد نمود.
- قبل از تسلیم تمام مسئولیت های کشور به یک دولت انتخابی، دولت موقت موظف است تا موقعیت ممتاز ایران را بعنوان یک بازیکن اصلی در عرصه بین المللی با عضویت ایران در سازمان های بین المللی مهم و کلیدی «اقتصادی-سیاسی» جهان مانند سازمان تجارت جهانی و «جی-20» مسجل سازد.



وظائف دولت موقت در ارتباط با حقوق اقلیت های مذهبی و قومی

اقلیتهای قومی و مذهبی در کنار سایر طبقات جامعه ایران یکی از ارکان اصلی مبارزه برای سقوط رژیم جمهوری اسلامی هستند. نمایندگان اقلیتهای قومی و مذهبی در فردای سقوط حکومت اسلامی نقش خود را در اداره و حفظ منافع ملی و تمامیت ارضی ایران ایفاء خواهند نمود.

دولت موقت با اجرای رفرورمهای لازم در زمینه های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهایتاً از طریق قانون اساسی جدید تمام حقوق لازم، از جمله ترویج زبان و فرهنگ بومی، را برای این بخش مهم از ملت ایران به وجود خواهد آورد.

ایران فردا نیاز به همکاری پویای همه بخش های جامعه کشور دارد و در این راستا استانهای کشور باید در تصمیم گیری و اداره امور خود اختیارات لازم را داشته باشند.

مهمتر اینکه دولت موقت شرایطی را به وجود خواهد آورد که
نمایندگان اقوام ایرانی در تمام قسمتهای تصمیم گیری حکومت
مرکزی مشارکت کامل و مستقیم داشته باشند.



آخرین مسؤلیت دولت موقت:

'تهیه و تدوین

قانون اساسی جدید

بر پایه خواسته ها و منافع ملی

و جدائی دین از سیاست'

پیشنهاد پیش نویس قانون اساسی

بنام خدا

مقدمه

ما ملت ایران، پس از فراز و نشیب بسیار و تجربه آرمان های برآورده نشده از دو انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر کشورمان، اینک متحد و یکپارچه، برای برقراری نظامی غیر دینی که منافع ملی، استقلال سیاسی و اقتصادی، تمامیت ارضی و امنیت کشور را تأمین نماید، قوانین حقوق بشر و میثاق های بین المللی و آزادیهای فردی و مدنی رادرچارچوب قوانین پیشرفته

برای ما و آیندگان تضمین کند، عدالت و برابری را برای تمام مردم برقرار سازد و آزادی باورهای دینی و مذهبی را بدون دخالت حکومت محترم شمارد و جدایی کامل دین از سیاست بپذیرد، قانون اساسی زیر را تدوین و مقرر میداریم:

اصول کلی

اصل 1- حکومت در ایران مبتنی بر آرای مردم ایران است. و این حکومت از این پس در این قانون اساسی اختصاراً بنام "ایران" نامیده می شود.

اصل 2- در ایران امور کشور به اتکالی آرای عمومی اداره می شود. سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه منفک از یکدیگر هستند. نحوه برگزاری انتخابات مجلسین و رئیس قوه مجریه در اصول دیگر این قانون و قوانین موضوعه معین می گردد.

اصل 3- زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی باید با این زبان و خط باشد. این زبان و خط در تمام مدارس عمومی تدریس می شود. استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس آنها در مدارس و دانشگاهها علاوه بر زبان فارسی

آزاداست. حکومت موظف است برای حفظ میراث فرهنگ بشری درجهت تقویت وهرچه بارورترکردن فرهنگهای قومی ومنطقه ای برنامه ریزی های لازم رابه عمل آورد.

اصل 4 - پرچم و تاریخ رسمی کشور

پرچم رسمی کشور دارای سه نوار با عرض مساوی به ترتیب از بالا به پایین به رنگهای سبز، سفید و سرخ با نشان شیر و خورشید در مرکز پرچم است. تاریخ هجری شمسی تاریخ رسمی کشور است. استفاده از تاریخ های هجری قمری ومیلادی ویاسایرتاریخ هادرکنار تاریخ هجری شمسی درمکاتبات غیررسمی بلامانع است.

حقوق ملت

اصل 5- تمام ارکان حکومت موظف به حفظ حقوق آحاد ملت هستند. حداقل معیار حقوق انسانی اصول سی گانه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال 1948 سازمان ملل متحد و ضمائم بعدی آن است. تمامی شهروندان وارکان حکومت ملزم به رعایت کامل مفاد این اعلامیه جهانی و ضمائم آن می باشند. متن ترجمه شده رسمی این اعلامیه ضمیمه این قانون اساسی وجز لاینفک آن است.

اصل 6- مالکیت مادی و معنوی ناشی از کار و تولید و ابتکار و تجارت و میراث و هبه در "ایران" محترم است. هیچکس حق ندارد این حق اساسی شهروندان را نقض نماید و انتقال آن تنها از طریق مبادله داوطلبانه و میراث انجام می‌گیرد. در خصوص اجرای طرح‌های عمرانی و عمومی توسط دولت که ضرورت تصرف را ایجاد می‌کند دولت مکلف به پرداخت قیمت روز و جلب رضایت مالک است. موارد اختلاف در خصوص جلب رضایت و تعیین قیمت روز در دادگاه صالحه و به موجب قانون معین می‌گردد.

اقتصاد

اصل 7- اقتصاد کشور بر اساس آزادی فعالیت فردی و برابری فرصت برای تمام آحاد کشور و محور بازار رقابتی سازمان می‌پذیرد. فعالیت اقتصادی دولت محدود به ایجاد خدمات زیربنایی، ارایه کالاها و خدمات عمومی که می‌تواند به بخش خصوصی انتقال داده شود و نیل به تامین شرایط بهینه برای کالاها و خدماتی است که آثار عمومی دارد. روابط اقتصادی کشور در تمام زمینه‌های سرمایه‌گذاری و مبادلات تولیدی و تجاری با جهان خارج آزاد بوده و برای تامین اهداف رشد درونی

تنها از ابزار تنظیم نرخ برابری پول و گمرکات در حد ضرورت و در چهارچوب پیمانهای جهانی استفاده می شود.

اصل 8- حفظ محیط زیست و منابع طبیعی کشور از وظایف حکومت و ملت است که رهنمود و قانونگذاری در ارتباط با آن از مسؤولیتهای حکومت خواهد بود.

اصل 9- بودجه سالانه کل کشور و مصارف آن به ترتیبی که در قانون معین می شود، از طرف دولت تهیه و برای تصویب به مجلسین تسلیم می گردد. درآمد حاصل از منابع طبیعی ایران و بویژه درآمد نفت و گاز، ثروت ملی ایران و متعلق به آحاد ملت و نسل های بعدی ایرانیان می باشد. به این لحاظ باید از این درآمد در صندوقی جداگانه از صندوق دولت حفاظت گردد و از آن انحصارا برای برنامه های زیربنائی اقتصادی، اجتماعی و عمرانی استفاده شود و به این لحاظ دولت مجاز نخواهد بود که از این درآمد برای مخارج روزمره اش و یا بعنوان یارانه مگر در شرایط اضطراری آنهم با پشتیبانی دو سوم مجلس استفاده بعمل آورد. هیچ وجهی از مردم اخذ نمی شود مگر به حکم قانون و بصورت مالیات یا عوارض و یا جرایم. مبنای مالیات در "ایران" درآمد و ثروت و یا مصرف بوده که در قوانین موضوعه چگونگی آن تصریح می شود. عوارض در مقابل ارائه خدمات عمومی معین تبیین و اخذ می گردد. مجلس پس از تعیین کلیات

مربوط به زمینه اخذ عوارض و جرایم و چگونگی هزینه آن ها می تواند تصویب و اجرای جزئیات را به واحدهای محلی حکومتی مانند شوراهای استان و شهر و روستا و امثالها واگذار نماید.

اصل 10- دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه ها، موسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحا از بوجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات حسابها و اسناد و مدارک مربوط را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس تسلیم می نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

ارکان حکومت

قوه مقننه

اصل 11- قوه مقننه مرکب از مجلس ملی و مجلس سنا است. مجلسین در عموم مسائل می توانند قانون وضع کنند و مصوبات آن در اختیار رئیس قوه مجریه قرار می گیرد. لوایح

پس از تصویب در مجلس ملی به مجلس سنا فرستاده می شود و در صورت تصویب به صورت قانون در خواهد آمد. در صورت عدم تصویب در سنا، لوایح به مجلس ملی بازگردانده خواهد شد و در صورت تصویب مجدد به صورت قانون در خواهد آمد.

اصل 12- مجلس ملی از نمایندگان منتخب مردم که به طور مستقیم توسط مردم و برای مخفی هر پنج سال یکبار انتخاب می شوند، تشکیل میگردد. اعضای مجلس سنا بصورت غیر مستقیم هر 6 سال یکبار انتخاب خواهند شد.

اصل 13- عده نمایندگان مجلس ملی 470 است و به ازای هر 150 هزار نفر جمعیت که در هر حوزه انتخابیه افزایش یابد، یک نماینده اضافه می شود. محدوده ی حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان حوزه ها و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین می کند. قانون اولین دوره انتخابات مجلس ملی همزمان با تصویب قانون اساسی به رای ملت گذاشته می شود.

اصل 14 - انتخابات مجلس ملی هر دوره، باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور هیچگاه بدون مجلس نباشد. در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس قوه مجریه و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان، انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی می تواند

متوقف شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

اصل 15- پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس ملی با حضور دوسوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد. ترتیب انتخاب رییس و هییت ریسه مجلس و تعداد کمیسیون ها و دوره تصدی آن ها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس و تصویب طرح ها و لوایح طبق آیین نامه داخلی مجلس انجام می گیرد.

اصل 16- مذاکرات مجلس علنی است و نمایندگان رسانه های گروهی و مردم عادی با رعایت نوبت می توانند در تمام جلسات مجلس حضور یابند. در شرایط اضطراری، به تقاضای رییس قوه مجریه یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان برسد. گزارش مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل 17- مجلسین حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. لوایح قانونی پس از تصویب هییت وزیران به مجلسین تقدیم می شود و طرح های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان در مجلسین قابل طرح است.

اصل 18- عهدنامه ها و مقاوله نامه ها و قراردادهای و موافقت نامه های بین المللی که ناظر بر قبول تعهد حکومت " ایران " در مقابل کشورهای دیگر و یا نهادهای بین المللی است باید به تصویب مجلسین برسد.

اصل 19- در برخی موارد مانند درخواست برای ورود به جنگ یا تغییر قانون اساسی مراتب باید به تصویب مشترک مجلسین با اکثریت 3/5 برسد.

اصل 20- برقراری حکومت نظامی ممنوع است مگر در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن که دولت می تواند با تصویب مجلس ملی موقتا محدودیت های ضروری را برقرار نماید. ولی مدت آن به هر حال نمی تواند بیش از چهل و پنج روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد برای تمدید محدودیت هادولت موظف است مجددا از مجلس کسب مجوز نماید.

اصل 21- هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسایل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. سمت نمایندگی مجلس قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست.

اصل 22- نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی و اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی توان آن هارا به سبب

نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب و یا توقیف کرد. احضار نمایندگان به هر دادگاهی باید به اطلاع مجلس برسد.

اصل 23- برای صدور هرگونه «رای عدم اعتماد» توسط نمایندگان مجلس ملی که در نهایت به استعفا کابینه منجر شود، لازم است تا بانیان چنین رایی، کاندید مورد نظر خود برای احراز پست دبیرکلی شورای وزیران (معاون رئیس قوه مجریه و دبیر کابینه) را همزمان به رئیس قوه مجریه پیشنهاد نمایند.

اصل 24- نمایندگان مجلس ملی می توانند در مواردی که لازم می دانند از هیأت وزیران یا هریک از وزرا پرسش نمایند. پرسش وقتی قابل طرح در مجلس است که به امضای حداقل یک سوم از نمایندگان برسد. هیأت وزیران یا وزیر مورد پرسش باید ظرف ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید.

اصل 25- برای واگذاری هر چه بیشتر امور مردم به مردم، شوراهای روستا و بخش و شهر و استان توسط مردم انتخاب می شوند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات آنها و نحوه اداره امور داخلی هر یک از مناطق را قانون بر اساس اصول عدم تمرکز و آزادی انتخاب معین میکند.

قوه قضائیه

اصل 26 - قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

- ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در اموری که قانون معین می‌کند.
- ۲ - دفاع از حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادیهای مشروع از نظر قانون.
- ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین.
- ۴ - کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین.
- ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

تشکیل محاکم و تعیین صلاحیت محاکم منوط به حکم قانون است و کسی نمی‌تواند به هیچ عنوان دادگاهی تشکیل دهد.

اصل 27 - رئیس قوه مجریه ضامن استقلال قوه قضائیه است. شورای عالی قضائی در حدود اصل ۳۸ این قانون لوازم و

مقتضیات این استقلال را فراهم می‌آورد و در حفظ آن با رئیس قوه مجریه همکاری می‌کند.

اصل 28 - تشکیل محاکم اختصاصی جز در موارد مصرح در این قانون ممنوع است، ولی ممکن است برخی از شعب محاکم عمومی بنوع خاصی از دعاوی رسیدگی کنند که آن هم بوسیله قانون مشخص خواهد شد.

اصل 29 - دیوانعالی کشور بمنظور نظارت بر اجرای درست قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی تشکیل می‌شود.

اصل 30 - قضات محاکم و بازپرسان را نمی‌توان از مقامی که شاغل آنند بطور موقت یا دائم بدون محاکمه و ثبوت جرم منفصل کرد یا محل خدمت یا سمت آنها را بدون رضای آنان یا تصویب شورای عالی قضائی تغییر داد.

اصل 31 - دادگاه باید حکم هر دعوی را با توجه به قوانین و سایر منابع حقوق اعلام کند و نمی‌تواند بطور عموم رأی دهد و قاعده بوجود آورد.

اصل 32 - احکام دادگاه‌ها باید مستدل و حاوی مواد قانونی و اصولی باشد که بر طبق آنها حکم صادر شده‌است، و تخلف از این اصل موجب نقض حکم در دیوان کشور می‌شود.

اصل 33 - محاکمات علنی انجام می‌شود مگر آنکه با تشخیص دادگاه علنی بودن مخالف نظم یا منافی عفت عمومی باشد.

اصل 34 - رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در محاکم دادگستری و با حضور هیأت منصفه صورت می‌گیرد.

اصل 35 - قاضی موظف است حکم هر دعوی را در قوانین بیابد و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال و یا تعارض قوانین از صدور حکم امتناع ورزد.

اصل 36 - قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه و آئین‌نامه‌ها و نظامنامه‌های دولتی که مخالف با قوانین یا خارج از حدود وظائف قوه مجریه است، خودداری کنند و هر ذینفعی حق دارد ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری بخواهد.

اصل 37 - برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌شود. به جرائم عمومی نظامیان و به کلیه جرائم افسران و درجه داران و افراد و کارمندان در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

اصل 38 - شورای عالی قضائی اداره امور مربوط به قوه قضائیه اعم از استخدام و نصب و عزل قضات و تغییر محل مأموریت و

تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها را بعهده دارد، شورای عالی قضائی تحت ریاست رئیس قوه مجریه تشکیل میشود. وزیر دادگستری سمت معاونت آن را بر عهده دارد. این شورا مرکب است از:

▪ ۳ عضو منتصب بوسیله رئیس قوه مجریه، رئیس مجلس ملی و رئیس مجلس سنا

▪ دوازده عضو منتخب بوسیله بقیه قضات (شش نفر قاضی نشسته و شش نفر قاضی برخاسته)

▪ هنگام رسیدگی به پرونده های مربوط به قضات نشسته، بجز ۳ عضو منتصب شورا از ۵ قاضی نشسته و ۱ قاضی برخاسته تشکیل میشود

▪ هنگام رسیدگی به پرونده های مربوط به قضات برخاسته ، بجز ۳ عضو منتصب شورا از ۵ قاضی برخاسته و ۱ قاضی نشسته تشکیل میشود

- دوره شورای عالی قضائی چهار سال است. اعضاء آن فقط یکبار حق انتخاب یا منتصب شدن دارند.

چگونگی تقسیم کار بین اعضای شورا و سازمان آنرا قانون معین می‌کند.

اصل 39 - حکم انتصاب رئیس دیوانعالی کشور و رؤسای شعب و مستشاران و دادستان کل کشور به امضای رئیس قوه مجریه صادر می‌شود و سایر احکام به امضای وزیر دادگستری می‌رسد.

اصل 40 - به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین، واحدها یا آئین‌نامه‌های دولتی، واحقاق حقوق آنها دیوانی بنام دیوان عدالت اداری تأسیس می‌گردد، حدود و اختیارات و نحوه عمل این دیوان را با رعایت استقلال قوه قضائیه، قانون تعیین می‌کند.

قوه مجریه

اصل 41 - رئیس قوه مجریه عالی ترین مقام اجرایی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و هماهنگی سه قوه و ریاست قوه مجریه و فرماندهی کل قوا را بر عهده دارد. رئیس قوه مجریه بارأی اکثریت مردم هر پنج سال یک بار انتخاب می‌شود. تصدی پست ریاست قوه مجریه برای بیش از دو دوره

متوالی ممنوع است. نحوه ی انتخاب و حدود اختیارات رئیس قوه مجریه، هیئت دولت و وزیران را قانون معین می کند.

اصل 42 - رئیس قوه مجریه موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسؤلان بگذارد. در صورتی که رئیس قوه مجریه مخالف اجرای قانونی باشد می تواند سه ماه اجرای آن را به تاخیر بیاندازد که در این حالت باید دلایل این تاخیر را به صورت علنی برای مجلس ارسال و به ملت گزارش کند. همچنین می تواند با ذکر دلایل تقاضای تجدید نظر در قانون مصوب و ابلاغ شده از سوی مجلس را بنماید. در نهایت حق برگزاری رفراندوم برای رئیس قوه مجریه محفوظ خواهد بود. رئیس قوه مجریه می تواند در سال یکبار مجلس ملی را منحل کند، ولی می بایست تا 60 روز انتخابات را برگزار نماید.

اصل 43 - در ارتباط با مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رئیس قوه مجریه، به پیشنهاد کابینه، می تواند از راه همه پرسی به آرای مستقیم مردم رجوع کند.

اصل 44 - رئیس قوه مجریه ریاست هیئت وزیران را بر عهده دارد. معاون انتصابی رئیس قوه مجریه سمت «دبیر هیأت وزرا» را خواهد داشت.

اصل 45 - وزرا و دبیر هیأت وزرا توسط رئیس قوه مجریه نصب و عزل می شوند.

اصل 46 - رئیس قوه مجریه می تواند استعفای خود را به مجلسین تسلیم و از کار کناره گیری نماید. در صورت استعفا و فوت و عزل رئیس قوه مجریه و یا بیماری و غیبت بیش از سه ماه وی، رئیس مجلس سنا اختیارات و مسئولیت های وی را به مدت 30 روز تا برگزاری انتخابات جدید برعهده می گیرد.

اصل 47 - رئیس قوه مجریه در طول دوران تصدی ریاست قوه مجریه، قابل محاکمه و بازپرسی در دادگاه های عمومی نمی باشد. ولی در شرایط خاص مجلسین حق رسیدگی و نهایتاً حق برکناری او را در صورت تأمین سه پنجم آراء مجموع نمایندگان مجلسین خواهند داشت.

رکن چهارم

اصل 48 - انتشار کتاب و روزنامه و هنرنوع نشریه، تاسیس رادیو و تلویزیون، بنای پایگاه کامپیوتری و هر نوع اطلاع رسانی با هر وسیله و ابزاری حق هر شهروند "ایران" است (رادیو و تلویزیون دولتی زیر نظر شورای که از سوی رئیس قوه مجریه معرفی گردیده و به تأیید مجلس رسیده اداره خواهد شد). تاسیس انجمن و حزب و هنرنوع تشکل نیز از حقوق شهروندان

"ایران" است. موارد فوق نیاز به اخذ مجوز از هیچ رکنی از ارکان حکومت ندارد. تنهائیت اسم و علامت هریک از نهادهای فوق برای جلوگیری از تداخل اسامی با سایر نهادها بر طبق قانون ثبت علائم و اسامی ضرورت دارد. هر نوع تخلف هریک از نهادهای فوق بر اساس شکایت هر ذینفع یا دادستان بر اساس قوانین موضوعه کشور رسیدگی می شود و نیاز به قانون خاص ندارد.

دادگاه قانون اساسی

دادگاه قانون اساسی، یک هیأت 9 نفره انتصابی است که مأموریت اصلی آن، تضمین انطباق لوایح تصویب شده توسط مجلسین با مندرجات قانون اساسی می باشد. همچنین، مسئولیت نظارت بر روند برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه برای تعیین رئیس قوه مجریه و نمایندگان مجلسین از وظائف دادگاه قانون اساسی خواهد بود. اعضای دادگاه قانون اساسی شامل 9 شخصیت با صلاحیت است که به تعداد مساوی از سوی رئیس قوه مجریه، رئیس مجلس ملی و رئیس مجلس سنا انتخاب خواهند شد.

اعضای دادگاه قانون اساسی برای یک دوره 7 ساله که یکبار قابل تجدید می باشد، انتخاب خواهند شد.

تغییر قانون اساسی

اصل 49 - بازنگری در قانون اساسی به ترتیب زیر صورت می گیرد:

1- اولین مجلس ملی، استثنائاً، اختیار هر نوع تغییر در متن قانون اساسی را در دو سال آخر دوره خود خواهد داشت.

2- تغییر قانون اساسی در هر زمان به دو طریق امکان پذیر خواهد بود:

الف- به پیشنهاد رئیس قوه مجریه:

(1) در صورت کسب اکثریت ساده در مجلس ملی

یا سنا، از طریق برگزاری referendum

(2) با تصویب دوسوم کل آراء مجلسین

ب- به پیشنهاد مجلسین: با کسب اکثریت ساده در

مجلس ملی و سنا، و به دنبال آن برگزاری

referendum

